

هزارف دوستی شان  
برای مکاتب و کتب خانهای ممل  
و معاونین و وفاائم نکاران (ضخیری)  
قیمت سایبانه  
از وزرای واعیان دولت بقدر  
راپیکان  
از عموم خردباران در داخله  
(۱۲) روییه کابلی در خارجه  
نم بوند انگلیسی ها محصول پوت  
از طلاب و محصلین نصف قیمت  
ششماهه  
داخله خارجه  
(۸) روییه (۷) شلنگ

درین جربده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی  
و منافع دولتی و فوائد ملی بخت نیشود

# امان و معاف

۱۳۷۳ ع

از اینای وطن مر که اهل بدده شد بدون خواهش  
جربده برایش فرستاده بیشود  
قیمت بک تهاره یکعباسی

آن آنها  
ده افغانستان کابل  
سر دیر  
سید محمد قاسم  
مه امورات تحریریه بنام  
اداره فرستاده شود  
اداره در انتشار و اصلاح مقالات  
وارده مختار است  
در هر هفته یکبار نشر میشود  
اوراقیک درج نشود اعاده نمیشود

تاریخ شمسی (۲۱) عقرب ۱۳۰۲ هجری . (جهانشنبه) تاریخ قمری (۲۵) ربیع الثانی سنه (۱۳۶۲) هجری

## فهرست مقالات

- |   |   |                  |   |                |   |             |
|---|---|------------------|---|----------------|---|-------------|
| ۱ بک درس اخلاقی : ثبات فکری                       | - | ۴ مکالمات روحانی | - | ۲ اوضاع جرمی   | - | ۵ نسخ احوال |
| ۳ آقای علی اکبر خان دفتری مشا و حقوقی وزارت خارجه | - | ۶ حوادث داخلیه   | - | ۷ حوادث خارجیه | - | ۸ متعدد     |
| ۹ فیض زمان  | - | ۱۰ اعلانات       | - |                |   |             |

نیمات شان بحمدی بوده است که خارجه های ارضی و سهایی و ساختهای آنی و هوایی از آن جلوگیری نمیتوانست و سدراء آن نمی تواند شد . در سایه همین صفات کامله "لاتغیر آنها بود که اقواء عرب با آن وحشت و سرگشی وعداوت و بدینه در برابر اطمین و منقاد کردیده بر تسلیم نهادند و محاسن اخلاقیه و نهاده فکر آن حضرت نسبت به معجزات و خارق عادات شان میل تسبیح نمکریزه ها و انشفاع قردمشی هجر وغیره درین سرما و اشاعت اسلام مؤثر نهاد کردید جراحته دز صفات اخلاقیه ایشان محظی شد که وریب نبوده است و در معجزات احتمال داشت که با کهانت کاهنین و صافت هزارفین و سحر ساحرین پرخواهد و ذکر مشرکین آن عصر مشاهده بهم میرساند از آن همین شجاعت قلبی و نیمات فکری بود که در برابر قوم درشت خوی غلیظ القلب با حاست عصباوی عرب که تابع افکار شخصی و اعراض نفسی خود بودند و دین خود را منتها در جهه دوست داشتند و بخدمایان خود بیشتر از اولاد محبت میکردند آنحضرت به کامیابی دعوت خود اعیاد وائق داشتند و قریش هر قدر لست به ایشان اظهار سخریه و اسہزا میکردند آنحضرت بعد دعوت قیامت و دوام مرد روز بزند و آنهمه تکلیفات و اذیت های عملی و قولی که از قریش

بک درس اخلاقی ( ثبات فکری )  
ثبت آن است آن بعد از ازان که بک آن را بک هفت یا  
بک ملت در اطراف بک منظور و در حوالی بک عقیده واراده  
تأمیل نموده نسبت ایجاد و یاسلی آن را نظر مصالح خوبیش  
سنجدید و جلب یاطرد آن را نصیم کرفت حتی باشد در رعایت نصیم  
خوبیش تا آخر راسته العقیده و تأثیت العمل بوده فکر خود را  
و عملیات خود را بک نهیج سوق داشته از رسول موسوسین خوف  
نگنند و خطرات و نوهات سبب و علت اخراج اوازان منتج مستفهم  
نگردد . مثلاً بک منظور مسمی را بعد از تأمل و تمعن نصیم  
کرفتیم و در بدست اوردن آن قدم نهادم و اجب است که نهفلت  
اسباب و نهیج راه و تهدیه مقصد و دوئه نوهات و خطرات دیگر  
و اطائل هیچ مانعی مارا ازین راه نمکردند ، بلکه با هر نوع مشکلات  
و مسائل را که در روشیم آن را با کمال اعتماد و متناسب دفع نموده  
سوق خود را تازم کی نمیشیده بسوی مقصد روان آردیم .  
زیقات عصر اول اسلام بعض در سایه ثبات واستقامت بود چنانچه  
در اخلاقی و سخیه های آنحضرت صل افق علیه و سلم که در هیچ فس  
بشری نظیر آن وجود ندارد چون دقت نهایم می بینیم که صفت

ثبات فکری یکی از وظایف مهمه انسانی است لهذا در میدیدند <sup>۴</sup> صبر و تحمل تلقی می‌گویند (۱۳) سال در مک میان قوم خود توقف کردند و مردم را بحق دعوت کردند و نامید نکشته پس را به قلب خود راه ندادند و میفرمودند والله اکن اقتاب را بذست راست و ماهتاب را بذست چی من بگذراند که این دعوت را ترک نمایم ترک نخواهم کفت تا که کامیاب شوم و یاد راه آن پیغم و دانما همین خط حرکت شان بود تاکه مینقن کردیدند که مک صلاحیت تدارد که بمعت دعوت و یاد طلبه اقتاب در خشان اسلام شود لاجرم <sup>۵</sup> میدیدند لهذا بجهت میدا کاریخ اسلام مقرر کردید تراکه بزر گفتن مظہری از مظاهر اسلام و باقرین یادکارهای ثبات و استقامت بوده است . وازن جهت مسلمانان هر سال آن را عبده کرفته اختفال میکردند .

بالجمله حیات آنحضرت بهترین مثالی است رای اتباع مسلمانان رای وصول به آرزو های ملی و مقاصد اجتماعی ، دیپلماتی مدرسه است رای آموختن راست رفشاری و راست کرداری و ثبات فکری که بگاه وسیله رسیدن بر این سایه و مقاصد عالی است .

سبت خلفاه راشدن و سائر ائمه دین ثبات فکری و عمل را با مسلمانان تلقین می‌کند . حضرت خلیفة اول در بد و خلافت با وجود آن همه اغتشاشات داخلی و خارجی در ارسال حیث اسامه و مقابله باعنه زکات چکونه اظهار ثبات فکر و ثبات عقیده و رای اطمینان نمودند با استکه حضرات بزرگ جناب شان را به تعطیل و فسخ هر دو امر مشوره دادند و توصیه نمودند . و چون باعمال خلیفة کانی دقت شود مدلل میکرد که آن همه ترقیات و فتوحات بغير المقول و تنظیم نظام خلافت اسلامی و رواج شریعت حقه محض درسایه ثبات فکری و حزم بعزم بوده است .

ثبات فکری اسیاب سعادت دارین است اصول و دشمنان اسلام هر چیه یافته اند درسایه ثبات یافته اند و مسلمانان هرچه باخته اند از راه بی ثباتی باخته اند نذبذب در امور انسان را ازیند همه مقاصد محروم میسازد نذبذب انسان را به وادی غول و گذاری سوق می‌کند بی ثباتی انسان را در لفظ مردم ای اعتبار می‌سازد بی ثباتی انسان را از درجات عالی به عاده های تازل می‌داند . بی ثباتی علامت فقدان شجاعت است . بی ثباتی نشان سبق عقیده و سخافت رای است . ملتی کافرادش بی ثباتی مشهور اند ازینه مفاسد مذلت و بی شرف خواهد شد . ملت سر از خواب غفلت بردارد . واکر از ارادات و تصمیمات ترقی و تعالی ملت همه وقت از راه بی ثباتی مهمل یافتد آن ملت ابد از خواهد کرد و روی کمال نخواهد دید .

مکالمات روحانی	در خصوص
جات حقیق یا ارتقای مل	
اثر خامه یک فرزند مهجور افغانستان قیسی فاضل	
سلطان محمد خان پسر جناب ہادر خان	
لوکری متجم و وزارت معارف	
در هندوستان	

(۳)

روح — بشنوید اه کاه از شنا پرسان کردم که چرا جادات را زنده نمیدانید ، گفتید : از جهت اینکه استعداد اکل و شرب ندارند از دایره حیات خارج اند . چون در باب بیانات سخن راندم فرمودید که در جانشان و نداشتن اینها اختلاف است ، و چون توجه تان را جانب حیوانات راجع نمودم جواب دادید که بی زنده اند .

حالا بشما حال مینایم که ما جادات را نه فقط از جهت مرده میدائیم که قوه خوردن و حرکت کردن را ندارند ، بلکه از جهت که رزق نمیتوانند و نه این طاقت را مالک اند . ما روزانه عیناً ملاحظه مینایم که چسان به یوجت فهقری میگیرند و فکر خود را بعمل اجرا نکارند از جمله مردم عجوب ، و چطور بخر که معکوسانه خود مسرو میباشدند ، و چطور امواج شند و تیز حوادث جویه اجزای آهارا در آسیا فنا آرد کرده بیت می‌کند ، مثلاً کوه هندو کش یا کوه سبلان را دیده باشید که در صنف جادات نسبت به همه عظیم زر و باعتبار جسمات از همه شیخیم را نه و باعتبار رفت در آسمان شکاف میزند . و بلطف احوالات شرق و مغرب را پیوست می‌کند ، اما باین همه عظمت و رفت از وقیکه کسب وجود کرده است ناحلاً مستمراً از خاطر اط و تزل کام میزند ، از جهت مصادمات برف و اطمانت حوادث جوی ، و تغیرات مدهش طبع اعضای آن بهشت ریز که ذره ذره کشت بمحاجت جریان های سبلانی از دروده از تفاصیل در زاویه بین اینهای اصطلاح باشند رمزبرود ، رهین اسلوب یک مقدار خیل زیاد آن علی التوالی مکفارانه بخسارتم میرسد ، اگر این کوه ذی شکوه از زنده کی رم میدارد که این حالت ذی خسارت خود را میداند .

بنده — آقای من چرا ؟ هر کاه اینها شور هم دارند و رزق هم میکنند ، پس در زنده دالستن اینها چه مالعنه آمده است . روح — درینها یک امر خیل قابل اعتقاد به تحریبه نزدیده است .

بنده — آن چه امر است ،

روح — آن احسان است . آن کوه شب چراغیکه در ضیاء آن سر زنده کی مستور است .

روح — در فصلیه بیانات یک کونه حیات بی ثبات که مآثر ای احسان ندارند .

روح شما میتوانید که از روی تعبیره های یومیه خود و بینا بر مشاهدات مسلسل خود این را یقین نمایید . یک کوستند

اما اکر بنتظر امعان دقت نمایید خواهید داشت تها نشوونما را تأویلیکه مشارک بعلم نباشد رق نمیکویست . بیانات بطور دولها و دیده فربت کسب حدوث نموده اند که اعماقان تشنلهایان و شاهران حقیقت زجان . اعضاي معشووقان خود را باهشایی داده عاریه جهت آمان حسن و ملاحظت را اخذ میکنند . هاد هم از جهت اینها قدری معرفت می کردد . اما از جهت که علم ندارند از جباط حیات ناخروم اند . فقط آنچه خود را مشاهده کن بک حصه کامل ان از جوهرها تشکیل یافته است ، روی کرسی که استراحت داری هم از چوب ساخته شده است میز شما ، الماری شما ، بالجه . اکثری از مختلفات اطاق شما هم از چوب ها تهییل یافته است ، لوازمات طعام شما نیز بواسطت چوب ها طبخت میباشد ، زغال سنک که روزانه صد ها خوار و صرف میگردند از بیانات کسب وجوده است .

حالا فکر کن ! در دنیا چه مقدار کثیر از بیانات به عیان مختلفه روزانه شائع می کردد ! آیا کدام یک از بیانات میداند که چقدر از آنها یومیه بخسارتم میرسد ؟ حالانکه مازان بیاناتیکه اکلا معمول اند صرف نظر نموده ایم . آیا بیانات این را میدانند که اکر همین حالت مستمراً اجرا یافته بود به یک جناب روز متعوس مصادف خواهند کشت که از سطح زمین ماند بیانات ادوار پیشین تخم آنها معدوم خواهد کشت . پس از جهت اینکه بیانات از خارج و اوضاع خود غل ندارند ما نمیتوانیم آثار از نده بکویم .

حالا بیانید که در خصوص حیوانات اختصاراً بحث برانیم . حیوانات شور هم دارند و رزق هم میکنند اکر جه این رزق مستقل نیست . با آنکه پیوستو از ارات هالکه و حوات هالله شما روز در انتیصال اینها سی می کنند لا کن سلسله نسل خود را نمیگذارند منقطع کردد ، و مایا ابن همه او صاف حیوانات را زنده میدایم .

بنده — آقای من چرا ؟ هر کاه اینها شور هم دارند و

رزق هم میکنند ، پس در زنده دالستن اینها چه مالعنه آمده است .

روح — درینها یک امر خیل قابل اعتقاد به تحریبه نزدیده است .

بنده — آن چه امر است ،

روح — آن احسان است . آن کوه شب چراغیکه در

ضیاء آن سر زنده کی مستور است .

را پیش روی بک دوستند دیگر ، بک صریغ را تزدیک مرغ دیگر حلال می کنند و از بشره اینها هیچ اثر نافس و ازدهان اینها هیچ حرف نامی خواهند ظهرور نمیکنند . هر کاه بک اسب سرپس میگردند بجای اینکه اسب دیگر ازان پرستاری کنند عنقاً علف آتزا اذوفه خود میسازد ، آن بیچاره کل را بزوریک طاقت آتزا داشته باشد لکدزدن میگیرد . اگر بدینخانه سک بک کوچه به کوچه دیگر بزد ، امکان ندارد به سلامتی از سکهای آنجا خود را برهاند ، از عف عف و غوغو سک ها و مصارعه این بد سکالها سپه زمین شق میگردد اما این سک بجهه ها خبر هم نمیباشدند که چه می کنند با خود می کنند ، این بک را مطلق احساس نمی کنند که آخر این سک هم از جنس ما و مشارک ماست ، اگر بک ماده کار بیدر ماده کاو دیگر هر آن کوساله آزارضا ورغبت شیر نمیگردد . اگر اینها مساوی بک دانه ارزن هم احساس را مالک میبودند همانا که بک حالت ذی بشارت را مالک میگشتند .

بنده — جنابا ، عفو فرمائید ، اگر چه بک تقریر خیل بسیط و خیل طولی را اجراء نمودید اما معنای حیات حقیقی و حیات معنوی را توانیم مفهوم نمایم .

روح اگر ماین تصریحات و تنبیلات نتوانستی معنای زندگی رسمی البتہ مقام تعجب است !

بنده — بنده از اینداد ناتوانم خطاب شمارا همه کوش کشته شتم ، اما بدینخانه از قدر تولیده شما شوالسم معنای حیات حقیقی را استفاده نمایم .

روح — خیر ، اگر اختصاراً بیان نمایم خواهی فهمید ؟

بنده — بله ، التفات نان کم نشود .

روح — صدای از زندگی حقیقی ، دارانی ترق و عمل و احسان است .

بنده — اگر شوخ چشمی بنده را عفو فرمائید ، هرچه میکنم که بلا ضرورت در طوالت این افسانه اینقدر زحمت کشید .

روح — بک کرت گفت ام که مرده از افعال خود عصیون نمیباشد ، اما آن افسانه چیست که بیان نموده ام ؟

بنده — همون افسانه زندگی .

روح — آیا بدانش تو این مذاکره از بک افسانه بیش تونی ارزد ؟

بنده — مودباً هرچه مینهایم که تغیر .

روح — از چه جهت ؟

بنده — از نجهت که بنده دارای این هرمه ( ترق و عمل و احسان ) هست . افسوس میکنم که بلا تأمل دلائل مرار دکردن کرتشید .

( مبارزة ۲۸ )  
روح — چرا لاف بجا میزئن ا مادامیکه دلائل خود را اقامه نهانی مجاز نیستی اینجین بکون .  
بنده — اجازه بدید که درین خصوص دلائل خود را بالتریب تقديم نمایم ( باقی دارد )

### ( معرف دا کتر ابون )

دا کترووالتر ابون که برای دائز نمودن بک مكتب اعدادی افغانی باصول المانی جلب و به هفته کذشته ، بکابل ورود نموده اند ، از بک فامیل مشهور جرمی می باشند . باعث شهرت فامیل شان این است که در جنک مشهور سی ساله شخصی که این فامیل و خانواده با ونسب است در نهیه و ساخت اسلحه خدمت بزرگ نموده است و پسر او دران عصر چون آن در جرمی مکتب عالیه درستی برای فن دا کتری نموده ، به ( کوبن هاک ) های نخت دنمارک سفر کرده و فن دا کتری را اکال نموده است و بعداز معاودت بوطن در دارالفنون ( دستول ) المان پروفیسر فن طبایت مقرر کرده بس این شخص در قشون سویدن صاحب منصب نظامی پرده است . غیر ازین سه نفر از خاندان شان ه بیکر شخص نامی و معروف نمکنند . اجداد اموالک اراضی بوده بوسیله زراع امور حیات می نمودند . ا کرچه خود دا کتر ابون زمین منزوعی ندارد لا کن بک خانه کلان عالی را در برلن مالک می باشند .

ولادت دا کتر ابون در شهر شتنین جرمی درسته ( ۱۸۸۱ ) عیسوی بوده است . بعداز طی مراتب تحصیلات ابتدایی و تالیه در بک از مکاتب شهر شتنین ، در دارالعلیمن عالی داخل شده دوره تحصیلات عالیه آن را اکال نموده اند ، ازان بعد به دارالفنون عمومی داخل شده در فن فلسفه و روحیات و تاریخ و جغرافیه و فرالله و انگلیسی امتحان داده دیلومه درجه دا کتری را در قشون فلسفه نائل کرده اند .

بعد فراغت از تحصیل ، جنبدال در بعض مکاتب طالیه المان پروفیسر بودند . درسته ( ۱۹۰۴ ) عیسوی حسب فرمان سلطان عبد الحمید خان به طنطبه خواسته شد و در بک مكتب حریه مقتضی و در بک مكتب ارکان حرب بروفسر مقرر کردیدند . در مكتب ارکان حرب به صاحب منصبان نظامی از روی کتب المانی در فن حرب اعطای معلومات می نمودند . و رای آملیم لسان المانی به صاحب منصبان نظامی عهانی بک کتاب صرف و نحو المانی زبان فرالله تالیف نموده اند که دران زبان به طبع رسیده است . و در ازای حسن خدماتش از طرف سلطان نائل لشان ( عجیدی ) شده اند . تائیه ( ۱۹۰۸ ) عیسوی در قسطنطینیه بودند .

کابل شود از بک غیر کابل هیچ تفاوت نداشت ، نه او خود را نا آشنا و بیکانه می بیند و نه ما اورا ، برای او از مصاحب و نذران باما تکلیف بیش نماید و باید و نه برای ما . حق که او را غیر وطنی هم کفته نمی توایم . و مثلا کاز بک غر اهل وطن جسدیت و حسن خدمت را امید و ارم از وهم هان طور توقع نمی توایم لهذا نسبت بسازیم ، متوجهین ایران با بسترهای و ما از آنها استفاده نمی توایم .

این عقیده ما تماماً چنانچه تصریح نمودیم از ورود حناب آفای علی اکبر خان معروف به ( دفتری ) به محل تخریه و نصدیق رسید ، آفای دفتری از بک خانواده خبل عجیب و معروف طهران می باشدند ، آفای مصدق السلطنه وزیر امور خارجه ایران که از رجال معروف و عده وطن خود میباشند ، با آفای دفتری نسبت عمومیت دارند . آفای ، دفتری در ; مکتب المانی ایران ) که جناب دا کتر ابون که اکنون برای تأسیس بک مكتب تالی در کابل از المان خواسته شده اند دران مكتب معلم بودند ، کسب تخصصات و شهادت نموده است : المان ، فرانسه انگلیسی را بدرجۀ طالی میدانند و در کالسلاست و لطفافت از السنه مذکوره مقارنی زیسته می توانند . در فن ریاضی لیاقت و ذوق خصوصی دارند . در علم حقوق هم مهارت داشته از مدرسه آن شهادت نامه کرفته اند

آفای دفتری در سفارتخانه دولت علیه مان در طهران به سمت ترجمانی موظف بودند ، از حسن اخلاق و نجابت و شرافت بیش و ذاتی شان جناب وزیر خutar صاحب و دیگر اعضای سفارت هم وقت اظهار می نمودند ، چون که وزارت جلیله خارجیه بخوبی نفر ترجمان احتیاج داشت ازان جله آفای دفتری را از انجا خواستند ، ای اکبر خود به وظیفه ترجمانی تقریر یافتند .

بعد از جند روزی چون حسن اوضاع و خوبی اخلاق و لیاقت شان در علم حقوق مدلل و تائب کردد حسب تصویب وزارت جلیله خارجیه بعریه ( مشاور حقوق ) وزارت مشار الیها انتیاز یافتند .

مالزین تقدیر لیاقت و حسن اتعاب وزارت خارجیه اظهار مسربت نموده بخوبی آفای دفتری نقدم تهانی و تبریک میکویم و بالتفیع به عموم رادران هنر خود اهالی ایران تقدیم احساسات بشکر و خلوصیت می نمایم . امیدواریم که این بعد هر کس از رادران ایرانی مان به افغانستان بدارد افاده بسیارند همچو جناب آفای دفتری در حق ما متفيد ثابت شده در طرف مدت قابل حائز متصاص مناسب و رتب شابان مان آنها بک است سنا وان چون بک غر ایران وارد

جینیک در طهران المانها بک مكتب طالی دائز نمودند ، قرار خواهش جنral قونسل المان مقیم طهران ، در مكتب مذکور وظیفه بروفسری اختیار نمودند و بواسطه حسن خدمتی که درانها کرده سه بار قرار داد خدمت وی تجدید کردیده است و اخیراً بواسطه طلوع جنکین المانی بعزم ادای وظیفه مل خود را برای خدمت نظامی بخوبی مراجعت کرده است چون که غر بسا شش سال در طهران بوده است فارسی خوب تکلم می کند .

جنبدن کتاب در باب ایران نوشته است که بک از آنها در باب تخارت و دیگری در باب موقعیت اقتصادی همکلت منبوره بوده جون بوقت شروع جنک بخوبی رفته است بجهه عجایدین داخل شده بجهایان جنک رفته و در جبهه فرانسه و جبهه روسیه حاضر محابر بات بودند ، بعد در قشون نظامی صاحب منصب کردیده است و به قوامان قطعه بطرف ایران بمقابله فدون روسیه آمده و عسکری از ایرانها تشکیل داده است و با روسها جنگیده و از انجا به سلیمانیه و موصل آمده ترکه ا در محاربات معاونت و مساعدت نموده است . در مقابل خدمات نظامی هم از طرف قیصر وهم از طرف سلطان به شاهزاده ای امده است .

پس از اغلاط المان از خدمت نظامی استفاده و به معلمی رجوع نموده است و در بک از مکاتب که اطفال بر کرده باز کاوت شب و روز در انجا بوده باصول علم التربیه از جبیت تعلیم و تفریج و خوردن و نوشیدن و خوابیدن تعلیم و رزیه می شود سمت استادی داشته است .

در موقعیت محصلین افغانی وارد برلن شدند تعلیم خصوصی آمara متفکل کردیده بمعاونت خانم خود به تمام آنها زبان المانی آموخته تعلیمات شازارا تسویه و بادر جات و صنوف تعلیم که مکتب المان تغذیل نموده است و در تعیین جاهای تحصیل و شغل در کار خانم رای شاکر دان کلان سال زفات زیاد کشیده است .

### آفای علی اکبر خان دفتری

#### مشاور حقوق وزارت خارجیه

از سابق عقبه داشتیم و حالا هم عقبه داریم که بجهان اشخاص فاعل و زجال کار دان از خارج وطن برای خدمت و افاده به افغانستان ، برادران هنر زما ایرانها می باشند ، چرا که خالک ایران و افغانستان دارای بک نوع طبیعت و بکرنک مظاهر و آثار عجیل بوده اهالی همکلتین در اخلاق و عادات و اصول و معاشرت و اوضاع اجتماعی و مقتضیات سیاسی و ملی تحدید دارند ، و زبان مان آنها بک است سنا وان چون بک غر ایران وارد

خود زیاد پرین خوش خبری هم داریم و آن اینست که جراید مصری خصوصاً «الاهرام» که شاید بزرگترین روزنامه در مسلم اسلام است، مقالات خوبی نافع و حقیقت شناسانه در حق افغان را درج میکند. کارستانهای زعیم الشرق، اعلیحضرت هایلووی را تعریف میکنند، و این را ماقابل مناسبات ملت افغان و مصر دیده، گفایت در خشان سعد زغلول را که دارای همین روح اند درج میکنند.

روح مصر سعد زغلول پاشا، در اطیق او لین خود که بس از اسارت در مصر کرده بدل خود میکوید: «این نهضت و حق طلب ویداری که ملت عین اسبت میدهد، چنان نیست. بلکه فضل اول به محمد علی کبیر و سید جمال الدین افغانی است که موجب بیداری کشته شد.»

مامدول این جمله را که بیکی از خلول علماء، و مشاهیر افغانستان (نی بلک شرق) حواله کرده اند، با کمال افتخار، اساس تاریخی قرب وجود اهلین مصر و افغان دانسته هرچه شکران میکنیم ...

## ز خبرهای مختصر

حکومت اپیانه تصمیم نموده که زیاده از چهار صد هزار عسکر برای مقابله اهالی ریف به مراکش سوق نماید. مراسم شروع به تجدید راه اهن هجاز در هین نزدیکیها بعمل می آید در مکه، معظمه بک (سر احمد) از طرف شریف مک، دائز شده است بک جمعیت از اهالی فلسطین بجهت جم آوری اعماه برای تعمیر و مرمت مسجد اقصی وارد هندستان شده است. حکومت و لایت هیئتی در مدت بیس مسٹر کاندیه دو سال تخفیف نموده است. نیز افو! است که حکومت هند حاضر است که مسٹر کاندیه را رها کند لاین مشارکه خواهش دارد که دیکر عبوبین سیاسی راهم، بکجا باور رها آنند و است (سوراج).

و عده با فوق بدید: قرار اطلاع پایونیر بعض مسعود ها بعداز این که از جبس خلاص شدند در این روزهای الطیر والعاقبت وارد مصر کردند. بازور و دشان هک هیجان میزرت و شادمانی در غام مصر حکمرانی است. از موقع قدم نهادن شان خاله مصر تا این ساعت شغفیب قدم میامن لزوم شان مقدم بر قبیل ممالی احتفای علی التوالی قیام دارند. هر مجلس که جناب شان تشریف می بند خطابه های بیانی اراده می کنند. ما این خبر را پایه ایت اسرت تلقی نمودیم، ما اولاً عموم علم اسلام را تهییت نماییم برادران عثیز مصری خود از وصال این یوسف محبوب شان عخصوصاً تبریک و چشم روشنی می کوئیم و بخدمت این قائد نامی فدا کار اسلامی نه تنی و نجیبات مخلصانه صمیمانه خود را تقدیم می نماییم و برای شان از خداوند متعال توفیق کامیابی در سربت واستقلال نامه ... پیاز می کنیم. برای این ملت

## (تشهیر جنایتکاران)

در قتل شیر محمد خان تاجر چهار غرب پاشر بودند که اعدام شدند، و سه نفر معاون بودند، از معاونین بیک ۱۵ سال و بیک ۱۲ سال و بیک ۱۰ سال حکوم بخیس شدند، و بعد از شیر در شهر خوبی عمو و خانه کردند.

## حواله خارجی

## (ایران)

آقای رضا خان وزیر حرب رئیس وزیر اعلیٰ شدند و مشغول زنیب کا پنه می باشد. اعلیحضرت شاه بعد از تریب کاینه بسیاحت اروپا میروند. در غیاب شان ولیم مسلط ایجاد و ظائف خواهند نمود راجع به مسئله شیعید حضرات حجج اسلام کوشانه امثالیم مظاہر عظیم در طهران شد در این مظاہر هم نهادنده های عالی خارجه باستثنای سفیر دولت برطانی دعوت شده اند. روز نامه (ابزویستی) می نویسد: در نتیجه ورود امتعه

روس در جنوب ایران شرکت مهم انگلیس موسوم (دیکسن) که تجارت مفسوجات می نمود و رشکت (دیوالی) شده است و شرکت حل و نقل بسیار مهم و معروف (لینج) که عملیات آن در جنوب اخصاری بوده است و دارای جنبه سیاسی هم بود به عملیات خود تخفیف داده است و قسمت عمدۀ مستخدمین خود را منفصل کرده است

برطبق اطلاع و اصله از زنگول سرس و بادر محروم، عبادان بصره و عماره بشدت باق و باطراف و نواحی حدود مذکور سرایت نموده است و در قطعات مذکوره تلفات زیاد رسانیده است (صراحت بید زنگول پاشا)

جناب سعد زغلول پاشا رئیس احرار و وطنخواهان مصر بعداز این که از جبس خلاص شدند در این روزهای الطیر والعاقبت وارد مصر کردند بازور و دشان هک هیجان میزرت و شادمانی در غام مصر حکمرانی است. از موقع قدم نهادن شان خاله مصر تا این ساعت شغفیب قدم میامن لزوم شان مقدم بر قبیل ممالی احتفای علی التوالی قیام دارند. هر مجلس که جناب شان تشریف می

برند خطابه های بیانی اراده می کنند. ما این خبر را پایه ایت اسرت تلقی نمودیم، ما اولاً عموم علم اسلام را تهییت نماییم برادران عثیز مصری خود از وصال این یوسف محبوب شان عخصوصاً تبریک و چشم روشنی می کوئیم و بخدمت این قائد نامی فدا کار اسلامی نه تنی و نجیبات مخلصانه صمیمانه خود را تقدیم می نماییم و برای شان از خداوند متعال توفیق کامیابی در سربت واستقلال نامه ... پیاز می کنیم. برای این ملت

## او ضاع جرمی

همیکت بوریا با وجود اختلاف نظریات با حکومت فعلی جرمی، اظهار نموده است که بر علیه دشمنان با جرمی متعدد است و در تفید دظام حکومت بالا متفق. قطعه ران اعلان نموده است که با حکومت جرمی نعلق نداشت. حکومت جدا کانه تشکیل میدهد. همچنان دو سقطه دیگر جرمی نیز همین آرزو دارند منظور این قطعات در جدای شدن از جرمی این است که خود را از بازار کران تاوان سبدکوش کنند. سنا بران مفکرین سیاسی فرانسه اندیشه دارند که ازین تفرقه اجزای جرمی برای فرانسه نفع نیست بلکه قسان است، چرا وقی که این قطعه ها از جرمی شد از حکومت جرمی کرفن تاوان بیچ سوت متصور نیست اهل (راث) از همین حالا اظهار دارد که محافظت نواحی در بیان (راث) بخود آنها مفوض شود و متفقین از عساکر خود آنجارا تخلیه نمایند. بوریا و سکان هم همین خواهش را می کنند که برای حفاظت خود از محلات روس مقداری لشکر نگاه دارند، ازین لظریات هم مقدم فرانسه نشویش دارند که مبادا یکروزی عسا کر این قطعات اتفاق نموده بر علیه فرانسه قیام نمایند. بدیهی است که اهالی جرمی با اعمال فرانسه عداوت قلب و صمیمی دارند بناء عليه حکومت جرمی قیصری باشد یا جمهوری، کوئیستی باشد یا قاتلی، همه ولایات متفقند باشند یا متفرق، عداوت فرانسه از قلب شان خود شدندی نیست و غالباً که این هیجانها و اختلافات و هلهله جدید شدن بعض قطعات نیز نک دیگری باشد برای اینکه از بازار تاوان خود را سبدکوش کنند جرا که جرمی بیچ سوت راضی نیست که بفرانسه تاوان بدد خود را کشته و سدنی پیک پل پل انداخته است و تن به تاوان نمیدهد در صورت تفرقه و جدائی ولایات جرمی حقیق است که مسئله تاوان ازین میورود و بفرانسه جزیی نمیرسد چنانچه در هافکری و استیا همین طور شد بلکه چیزی دیگر متفقین با دادند تا شهید وسائل اقتصادی خود را بخاید. انگلیسها هم همین نکته را بفرانسه حالت نموده اند که در تفرقه و تجزیه جرمی فرانسه دخل دارد و در نصوصت معاهده و رسائل لغو شود. از طرف دیگر فرانسه خالق است که مبادا در عین این استعاره ایات حزب بولشویکی المان غالب آمده برای تجاوز با شویکهای روسیه راه مستقیم طرف فرانسه کشاده شود چه در نصوصت قرار گفته توکی قطعه بولند مانند یک پل خواهد بود که روسیه از روی آن عبور خواهد نمود، این مسئله هم تاحدی حقیق شده است که جرمی در بطن نهیه جنک دارد و می تواند که مفلا تا (۸۰) لکفوج حاضر میدان جنک نماید نظر این ملاحظات فرانسه از اسپ خود فرموده خواهش دارد که مسئله تاوان

به میان جی کری و وساطت اسپکا حل بشود با جمله ا ترجمه اوضاع موجوده جرمی بنظر طبی تأسف آور است لا کن بدیهی است که جرمی معدوم غیشود. چرا که رقابت برطانیه فرانسرا

نمیگذارد که خاطر او از طرف جرمی اطمینان یافته در اروپا کوس لن المکی بزند و کذا حکومت ساویت روسیه در انتظار همین موقع است که راهه برای تجاوز به داخل اروپا پیدا کند. ارباب سیاست میداند که اکر سبلاب روسیه بکار رخ بسوی اروپا نهاد ازین اروپای موجوده ازی خواهد ماند. هرچه هست از مادیات و غایبات و غدن و ترقه نهیست و نابود خواهد شد و عالم یک معلم دیگر ورنک دیگر خواهد کرفت. در این روزهای بیچ فکر انگلیس و برخلاف تجزیه شدن ولایات جرمی است

## حواله خارجی

## صابون ماسین خانه

در زمان اعلیحضرت خیاقي الملت والدين منحوم در مائین خانه صابون لباس شوئی ساخته می شد در اوائل عهد اعلیحضرت شهید ساخت صابون در مائین خانه موقوف شده بود، در این روزهای صابون رخت شوئی بطور تجارتی شده ساخته در مائین خانه و در بازار بد کان مخصوص از قرار ایک رویه رایم چارک کسیر هشت رویه شود فروخته می شود. چند روز پیش در این باب از طرف (ریاست مصنوعات وطنی) اعلان شده بود و اعلان را هر کس باکیجه صابون بی عوض میدادند. صابون مذکور خوب است مکر جون که بلکن خشک نبوده رطوب و ترقی آن تحت مقیاس نمی آید تا هر کس بدان که به کدام اندازه صابون منطبب روشی رایم چارک است لهذا برای رفع اشتباه مردم و اشتباه کاری و تقلب می نهاده است که صابون بلکن خشک شود که قابل نفیر و نفس نباشد بعد از رخ مناسب فروخته شود والا این از جند روز بوجه تقلب، سرمه به آن رجوع و میل نمی کنند

## (جلب معلمین برای دارالعلوم)

جون کبر و کرام دارالعلوم نجید شده است وزارت معارف تصمیم نموده است که سه نفر معلم برای درس علم الفقیه و فن تربیه و تعلیم و کارهای دستی و تاریخ و جغرافیه از خارج جلب نماید. از قرار ایک شنیده ایم این سمعتم از زر که خواسته می شوند لا کن بعیده و فکر ما اولاً از ایران خواسته شود اگر در اینجا میسر نشد باز از ترکیه، چرا که اتحاد ایلان و افکار واوضاع برادران ایرانی ما باما، طامل معده ترجیح آمان است بر دیگران و ازین باعث نسبت به سائین آنها بیشتر عالمی داده و ما از ایشان استفاده نمی توانیم.

کرچه اعدا مه اسباب خزان کرده بهای  
گاشن هند خدایا به بهاران آید  
(رشاد)

## اعلان

شرکت رادران افغان حاضر است هر نوع فرمایش  
کم و زیاد را از طایین مطابق مقررات شرکت قبول نموده  
به بسیار خوبی از خارج گلستک نمایه نماید کسانی که مابله  
به شرکت رجوع نمایند.

در دنیا کشک شعبه شرکت رادران است و متصل شفاهانه  
امانی است لذتیای ذیل و قیمهای بسیار مناسب و ارزان  
فروخته میشود: ماشین های کاکل اعلا - گونهای تار  
ابریشمی عده و نفیس - زنگ باسکل - چوہای دست  
انواع مختلفه - زیر پر اهتمای ابریشمی و نخی اعلای زمانه  
کلاه زنانه - جالی و کشو های اعلای کل ابریشمی برای  
دامن گون - سگربت دانیهای نفیس - پودر روی -  
کفش ابریشمی زنانه خانه پوشی - چرم و فیته های اعلای  
ابریشمی - بش اعلا - شیرشنهای خوب - بند های  
غشک بسیار حکم - سک های چرمی اعلا - تکه های  
نفیس پیراهن وطنی رنگ های مختلف - بوت زنانه وطنی -

## اعلان

پانزده جریب زمین خودرا آه واقع است در موقع  
زر خیز برکی به قیمت عادله میفروشم هر که خواهش  
خریداری دارد به بند رجوع کنند.

علام سرور یسر جمهور خان مرحوم

## (اعلان)

تجارت خانه اندیا کپورت و امپورت ملتید در برلن  
واسطه خرید و ارسال هر کوئه مال التجاره مایین المان  
ایران - افغانستان - هندوستان - عثمانی میباشد هر نوع  
جنس از قبیل خرازی - دوچات ماشین آلات وغیره  
بسرعت چکته حل میکند و از مال التجاره صادره افغانستان  
ایران عثمانی هندوستان نیز در مقابل حق العمل جزئی  
در بازار المان و سوپن بفروش میرساند برای مفاوضه به  
اداره امن افغان رجوع شود.

در مطبوعه ماشین خانه حروف طبع کردید

## (فرار بندی ها)

چند روز قبل از بندی خانه شاه ریاست (بلواری) انج چه  
جنایکار فرار نموده اند، چنانچه مبلغ غریب اطاف بندی هان  
و بجز داران داخل گشته لباس و دریشی آهارا چشیده  
تفنگهای شان را کرفته اند، یکنفر بجز دار آنها را تعقب  
نموده است و از طرف مفروبن مجرد کردیده نتوانسته است  
کاری کند.

آقای واپس نیز که قصه کریخن دو غر شناوری را از توپیف  
خانه کابل هم وقت تکرار می کند و باطله آن افغانستان را  
در اظاوه مردم غیر مقتدر بر حفظ غبیسین معرف می نماید  
وقبیله عذ کوره را فوق العاده اهیت می دهد به واقعه فوق  
خوب غور کند.

## نخب زمستان

## (از روز نامه زمیندار)

از بسکه زمستان در ممالک سرد موجب زحمت و بیهار هوای  
خوش معتدل باعث راحت است فا آن خبر مقدم بهار و تابستان  
را مینماید:

هه تزدیک شد ایدل که زمستان کفرد

دور استان شود و عهد شیستان کفرد

ساق مالا زند اندر شمر آب کلک

همجو بلقیس که رخت سلیمان کفرد

هندی بچاره که کرما و ناش آفتاب روح وجسم را  
تحلیل نموده است همینکه (نخب زمستان) کانکرا روی آسمان  
در روز ایینه می بیند، که از سمت ممالک سرد روی مان سو هاده  
در جسم خود بودت سرمه را احساس می نماید و می مرباید:  
هه تزدیک شد ایدل که زمستان آید

دور گرما گفرد عهد شیستان آید

یک بلقیس زمستان جو رسیدست کانک

یک دو هفت زیش هامر و سامان آید

کشته افسرده همه جوش و خروش ملت

از دم عبسی ها بیجان آید

قائد ملک به بندست و گرفتار فرنگ

سبی ساز خدایا که ز زمان آید

تب محرق شده هارض زغاق و (شدی)

هند بچاره مکر باز به بحران آید

انه (ستگنی) از حلقه بهر جای زده است

باعصا باش که تاموسی هرمان آید

مالوی را سر پیکار چوها مولویست

غازی بت شکنی باز بیستان آید